

# فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال دوازدهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۷  
صفحه ۱۰۱ تا ۱۲۰

## تحلیلی بر دیالکتیک سوئزه و ابژه در شکل گیری ایران هراسی پس از انقلاب اسلامی

علیرضا امینی / استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

aminialireza@vatanmail.ir

مهدی جاودانی مقدم / استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

javdani2020@gmail.com

### چکیده

ایران هراسی به مثابه یک ابژه یا متعلق شناسا، یکی از مهم ترین پیامدهای شکل گیری انقلاب اسلامی ایران بوده است. این مساله از یکسو به عنوان یک سوئزه، تحت تاثیر بازتاب انقلاب اسلامی ایران و گفتمان صدور انقلاب اسلامی و از سوی دیگر به عنوان یک ابژه، تحت تاثیر ادراک ذهنی این تحول عظیم در منطقه و در نظام بین الملل و همچنین تلاش غرب برای سوء ادراک مبانی، اهداف و سیاست‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. براین اساس، با توجه به نقش مهم پیامدهای ایران هراسی در روابط خارجی ایران و بویژه کارکرد موثر آن در واگرایی روابط ایران و کشورهای منطقه، این مقاله به بررسی عوامل موثر بر دیالکتیک سوئزه و ابژه در شکل گیری آن و ابعاد، سطوح و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. سوال اصلی این مقاله این است که مهم ترین عوامل موثر بر شکل گیری گفتمان ایران هراسی در غرب پس از انقلاب اسلامی چه بوده و چگونه و در چه ابعاد و اشکالی تدوین و اجرا شده است؟ یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته نشان می‌دهد که توانایی‌ها و قدرت بالقوه و بالفعل ایران، سیاست‌های اعلامی تهاجمی و امنیتی کردن مساله ایران و ایجاد فضای ایران هراسی، مهم ترین عوامل موثر بر شکل گیری ایران هراسی در غرب بوده که در ابعاد و اشکال مختلفی مانند ایجاد هراس از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاه نمایی وضعیت داخلی ایران و تحریف اهداف و اقدامات سیاست‌های نظامی ایران در دو سطح منطقه‌ای و بین المللی پیگیری شده است.

**کلیدواژه:** ایران، ایران هراسی، غرب، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۷/۲۱

## مقدمه

"ایران‌هراسی"<sup>۱</sup> ترکیبی از دو واژه «ایران» و «هراس» است که معادل انگلیسی آن "ایران فوبیا" است. "فوبیا"<sup>۲</sup> به معنای ترس یا بیزاری غیر معقول و شدید است که هم در ادبیات رشته روان‌شناسی به عنوان یک اختلال روانی شدید ولی موهوم استفاده می‌شود و هم در رشته‌های علوم اجتماعی به گرایش‌های قوم‌مدارانه و نگرش‌های متعصبانه علیه یک یا چند قوم، ملت، فرقه یا گروه دیگر اطلاق می‌گردد. شاید بهتر باشد برای فهم واژه "فوبیا" آن را در کنار واژه کلیشه‌های ذهنی<sup>۳</sup> در نظر بگیریم. واژه اخیر عبارت است از: «تکرار یک موضوع به نحو یکنواخت و طولانی به گونه‌ای که با گذشت زمان شیوع یابد و تصویر مورد نظر از آن موضوع را به محض شنیدن آن در ذهن مخاطبان ایجاد کند».

این مفهوم از "فوبیا" (هراس ساختگی تکرار شونده) در کنار واژه "ایران" به عنوان کشوری که همواره به دلیل وضعیت خاص جغرافیایی و امکانات ویژه طبیعی و انسانی، یکی از اثرگذارترین کشورهای منطقه و جهان بوده و در یکی از ژئواستراتژیک‌ترین مناطق جهان در نقطه اتصال چند گروه از کشورها مانند آسیای مرکزی، آسیای میانه، کشورهای عربی و شبه جزیره هند با منابع نفتی و گازی سرشار، فرهنگ غنی و پرمایه و... قرار دارد، ترکیب "ایران‌هراسی" را آشکارتر می‌سازد. از سوی دیگر، دولت‌های حاکم بر ایران، چه پیش از اسلام و چه پس از آن تا دوره کنونی یعنی جمهوری اسلامی، با توجه به جایگاه ممتاز خود همواره امکان اثرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و جهانی را در خود می‌دیدند و از این رو اهدافی برای خود در روابط با سایر کشورها تنظیم کرده و می‌کنند، لذا این مساله نیز با واکنش کشورهای دیگر که قدرت هژمونیک ایران را غیرقابل قبول و یا غیر قابل تحمل تلقی می‌کرده و می‌کنند، مواجه شده و بر دامنه و شدت ایران‌هراسی در منطقه و جهان افزوده است. چنانچه در این زمینه، بیش از سه دهه از سیاست‌های خصمانه غرب بویژه دولت آمریکا علیه ایران می‌گذرد. در طول این مدت ابزارهای گوناگونی علیه منافع ملت ایران در اقصی نقاط دنیا به کار گرفته شده است. ایران‌هراسی، تحریم، هجمه تبلیغاتی در قالب مباحثی چون حقوق بشر، ایجاد ائتلاف علیه ایران در مجامع گوناگون، حمایت از گروه‌های معاند داخلی و... از جمله ابزار به کار گرفته شده توسط دولت آمریکا و هم‌پیمانانش علیه منافع ملت و دولت ایران بوده است.

1- Iranophobia

2- Phobia

3-stereotype

در این میان، ایران هراسی یکی از مهم ترین و اثرگذارترین استراتژی های غرب علیه انقلاب اسلامی ایران به حساب می آید. این گفتمان که به مثابه یک پروژه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در دستور کار غرب قرار گرفته است تلاش دارد تا جمهوری اسلامی ایران که به عنوان یک نظام مردمسالار دینی از بطن انقلاب اسلامی بوجود آمده بود را به عنوان یک تهدید تلقی نموده و زمینه های نگرانی و هراس از آنرا در سطح منطقه خاورمیانه و در کل جهان بگستراند. لذا از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام جمهوری اسلامی در برابر انواع اتهامات متعددی مانند تلاش برای بسط قدرت هژمونیک خود در منطقه و صدور انقلاب، ترویج تروریسم و کارشکنی در روند صلح خاورمیانه، نقض حقوق بشر، گسترش سلاح های کشتار جمعی و... قرار گرفت. بر این اساس با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی این پدیده، این مقاله می کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که شکل گیری پدیده ایران هراسی بر اساس چه ریشه ها و زمینه هایی و با چه اهداف و دلایلی صورت می گیرد؟

### مبانی نظری

ایران هراسی را می توان به عنوان یک ابژه و همچنین به عنوان یک سوژه از زوایای مختلف نظری مورد بررسی قرار داد. در این زمینه اگرچه بر اساس برخی نظریات رویکرد تفسیری مانند هرمنوتیک، پدیدارشناسی، ساخت گرایی، نظریه گفتمان و... تلاش شده تا چگونگی ارتباط سوژه و ابژه تحلیل گردد اما بررسی پدیده ایران هراسی در چارچوب نظریه سازه انگاری بویژه با نگاه ساخت یابی گیدنزی و تعامل عین و ذهن، بهتر می تواند چگونگی شکل گیری و ابعاد و زوایای آن را نشان دهد. این مساله به دلیل ماهیت مبتنی بر ذهنیت ایران هراسی و نقش بر ساخت های ذهنی موثر بر آن، در کنار واقعیات عینی تاثیرگذار در شکل گیری ایران هراسی به عنوان پدیده ای اجتماعی است. بر این اساس در ادامه به بررسی نظریه سازه انگاری و چگونگی شکل گیری گفتمان ایران هراسی در چارچوب این نظریه می پردازیم.

### ۱-۲- نظریه سازه انگاری در روابط بین الملل

مجموعه تلاش های فکری انجام گرفته در روابط بین الملل به نظریه های انجامیده است که بر اساس نسبت آن ها با جهان (مسایل معرفت شناسی) به نظریه های تبیینی و تاسیسی قابل تقسیم اند. نظریه های تبیینی در پی بیان چرایی رفتار دولت ها بوده که بر این اساس روابط میان دولت ها به عنوان امری خارجی نسبت به نظریه تلقی کرده و در مقابل این، نظریه های تاسیسی قرار می گیرند قائل به این امر می باشند که واقعیت ها و روابط میان ملت ها از طریق زبان، ایده ها و مفاهیم ایجاد شده شکل می گیرند. در اوایل دهه ۸۰ ما شاهد طرحی نو برای مطالعه واقعیت ها

پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی هستیم که حد فاصل میان نظریات تبیینی و تاسیسی قرار می‌گیرد. از این طرح نو تحت عنوان سازه‌انگاری یاد برده می‌شود (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۷).  
 باین وجود، ریشه سازه‌انگاری حداقل به آثار ویکو در قرن هیجدهم باز می‌گردد که به صورت نوعی روش‌شناسی قدیمی مورد استفاده و توجه فلسفه و تحقیقات تفسیری جامعه‌شناسان بوده است. بعد از این ادوار سازه‌انگاری کمتر مورد توجه واقع شد و حتی می‌توان گفت که هیچگاه مجاللی برای بروز نیافت. تا آنکه اوایل دهه ۱۹۹۰ زمینه را برای طرح مجدد سازه‌انگاری فراهم آورد و به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۳) در این میان، نظریه پردازانی چون ریچارد اشلی، جمیز دردریان، دیوید کمپل، آندرو لینکلتر، رابرت کاکس و آن تیکنرز، با نوشته‌های خود فضای وسیع و امکانات گسترده‌ای را برای توسعه سازه‌انگاری و شاخصه‌های آن فراهم آورده‌اند. علاوه بر آن شخصیت‌هایی چون: امانوئل آدلر، میشل برنت، جفری چیکل، پتر کاتزین اشتاین، کریس رویس اسمیت، توماس رایس، جان روجی، نیکلاس اونف، جان راگی، دسلر، کوزولوسکی، کراتوچویل، هاف، الکساندر ونت در توسعه سازه‌انگاری نقش قابل ملاحظه‌ای داشتند. کوشش نظری آنان در توسعه سازه‌انگاری در دهه ۱۹۹۰، مجال انعکاس و ظهور یافت (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۲۳-۳۲۵).

آنچه در نظریه سازه‌انگاری، مهم‌ترین نقطه عزیمت وجه تمایز این نظریه و سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌گردد، تمایز ذهن و عین و برساختگی مفاهیم و دنیای اجتماعی ناشی از درهم تنیدگی سوژه و ابژه است که در ادامه به بررسی آن و نقش آن در ساخت ایران هراسی اشاره می‌شود.

## ۲-۲- تعامل ذهن و عین در سازه‌انگاری

سازه‌انگاری معتقد است؛ ساختار بین‌الملل نه امری از پیش داده شده که امری برآمده از دیالکتیک دائمی ساختارها و بازیگرانی است که براساس معانی ذهنی خود دست به کنش می‌زنند و در نهایت در یک ذهنیت مشترک، واقعیت را می‌سازند. این واقعیت از آن لحاظ که دارای سرشتی محدود کننده و تعیین بخش به رفتارهای بازیگران است. دارای عینیت است ولی نه عینیتی ایستا و مستقل از بازیگران، ساختار واقعیت از طریق قواعد و استانداردها و هنجارهای پذیرفته شده رفتار بازیگران را تعیین می‌کند و این تعیین بخشی از آن جهت است که این هنجارها مورد حمایت ذهنیت جمعی است و بازیگری که مایل به رعایت این هنجارها نباشد با

اجماع بر علیه خود روبه رو خواهد شد از سوی دیگر با دگرگونی انگاره‌ها و تلقی‌ها در نهایت تغییر در نظام ممکن می‌شود (جوادی و سلیمانی: ۱۳۸۸).

در این چارچوب، سازه انگاری نگرشی نو به نقش عقلانیت در وضعیت‌ها و پدیده‌هایی دسته جمعی انسان‌هاست و همانگونه که بر ساختارهای مادی و اجتماعی تاکید می‌ورزد، ساختار هنجاری و معنوی را نیز دارای اهمیت تلقی می‌کند. به عبارت دیگر، بر اساس این تحلیل دولت‌ها و سیاست گذاران هستند که به عوامل فیزیکی نظیر سر زمین، تسلیحات و جز این‌ها معنی می‌بخشند. سازه انگاران تمرکز خویش را روی اعتقادات بین الاذهانی، دکترین‌های دانش، قرار می‌هند ضمن اینکه، آنان بر این تصورند که منافع و هویت‌های انسان‌ها به صورتی که آنان خویشان را در روابط با سایرین درک می‌کنند، از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین می‌شوند. نکته اساسی در رویکرد سازه انگاری آن است که نمی‌توان سیاست بین الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چهارچوب‌های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین المللی تقلیل داد، زیرا تعاملات دولت‌ها صرفاً بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده شکل نگرفته، بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌های تشکلی می‌یابند و یا باعث تشکلی هویت‌ها می‌شوند. (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۲) بر این اساس، به طور خلاصه، مهم ترین اصول و مبانی سازه انگاران را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- دولت‌ها همچنان مهم ترین واحد سیاسی و بازیگر اصلی نظام در تبیین تعاملات بین المللی می‌باشند، زیرا حاکمیت و اقتدار معمول بر اساس اصول دولت محوری قرار گرفته است و دولت‌ها هستند که به واسطه عملکردهای خود، ساختار بین المللی را پدید می‌آورند.

۲- روابط بین الملل بی قاعده نیست، بلکه از یک سری اصول و قواعدی پیروی می‌کند. روابط بین الملل تعدادی از کنش گران سیاسی را در بر میگیرد که در تعامل متقابل با یکدیگر می‌باشند، این تعامل متقابل و مستمر بر اساس قواعد و هنجارهایی که به صورت بین الاذهانی شکل گرفته اند، صورت می‌پذیرد. نگاه رویکرد سازه انگاری به روابط بین الملل منبث از این فرضیه است که ساختارهای مادی و رای ضرورت‌های مشخص و معین عینی بیرونی فقط از طریق مفاهیم اجتماعی و از طریق آن که تفسیر می‌شود، معنی پیدا می‌کنند.

۳- ساختار نظام بین الملل شامل هر دو عامل مادی و غیر مادی است و در عین حال ساختارهای غیر مادی مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد، زیرا هنجارها و هویت در کانون منافع ملی و فراملی قرار دارد، پس منافع و اهداف روابط خارجی بین دولت‌ها ارتباط نزدیکی با هویت مسلط دولتی دارد.

۴- چگونگی ساخت هویت دولت‌ها از دیگر اصول مهم سازه‌انگاری است. هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها به طور هم‌زمان به‌گزینش‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌المللند که به آن‌ها شکل می‌دهند. هویت‌ها را نمی‌توان به شکلی ماهوی یعنی جدا از بستر اجتماعی آن‌ها تعریف کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۳۲).

۵- سازه‌انگاران بر تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی (ساختار و کار گزار) که در فرایند تعامل متقابل جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند، تأکید می‌ورزند. سازه‌انگاران معتقدند که همه‌کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. از این رو، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این "فرایند" است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آن‌ها گسترش یابد و روابط میان دولت‌ها بر اساس معنایی است که برای یکدیگر قائلند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵).

براین اساس، در سازه‌انگاری از آن‌جا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولت‌ها با هم بر اساس معنایی است که آن‌ها برای یکدیگر قائلند. هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کار گزار وجود دارد. همچنین اولویت‌های بین‌الملل کار گزاران بر اثر جامعه‌پذیری درون جامعه بین‌الملل حاصل می‌شود. این دیدگاه سازه‌انگاران را می‌توان در مورد چگونگی ساخت و تأثیر ایران هراسی به عنوان یک مقوله بین‌دهنی در غرب و در میان کشورهای منطقه و روابط آنان با ایران مورد استفاده قرار داد. بدین گونه که اگرچه برخی عوامل ذهنی مانند عناصر برتر قدرت ایران (به نسبت سایر کشورهای منطقه)، سیاست‌های منطقه‌ای ایران، برخی سیاست‌های اعلامی ناسیونالیستی و ایدئولوژیک تهاجمی، زمینه‌های تاریخی سلطه بر منطقه و... می‌تواند نقش مهمی در ساخت ایران هراسی داشته باشند اما مهم‌تر از این عوامل، نقش عوامل ذهنی بر ساخته از ایران است که ایران هراسی را به دنبال داشته است. این مساله بویژه در میان کشورهای غربی که به دلیل عدم همجواری با ایران و تهدیدات احتمالی بالقوه ایران برای امنیت این کشورها عملاً از نقش عوامل عینی ایران هراسی کاسته می‌شود، آشکارتر می‌باشد. برای درک ملموس و دقیق‌تر این مساله، در ادامه به زمینه‌ها

و عوامل شکل گیری ایران هراسی به عنوان یک برساخته ذهنی در غرب که محصول دیالکتیک سوپژه و ابژه است اشاره می‌شود.

### ۳- عوامل موثر بر شکل گیری ایران هراسی

ایران هراسی پروژه‌ای است که از ابتدای شکل گیری انقلاب اسلامی به دلیل تعارض مبانی، اصول و عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران با قواعد حاکم بر نظام بین الملل با تعریف نظام سیاسی جدید حاکم بر ایران به عنوان یک تهدید منطقه‌ای و بین المللی از سوی غرب شکل گرفته است. این پروژه تحت تاثیر عوامل متعددی بوجود آمده که مهم ترین آنان را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

#### ۳-۱- توانایی‌ها و قدرت بالقوه و بالفعل ایران

یکی از مهم ترین عوامل موثر بر ایران هراسی به توانایی‌ها و قدرت بالقوه و بالفعل ایران برمی‌گردد. این مساله تحت تاثیر عواملی نظیر ویژگی‌های جغرافیایی، منابع طبیعی، کیفیت و تراکم جمعیت، توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی و قابلیت نظامی ایران است. این توانایی‌های بالقوه و بالفعل ایران را می‌توان به دو دسته توانایی‌های ذاتی و توانایی‌های اکتسابی تقسیم کرد که موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی از جمله توانایی‌های ذاتی و قابلیت‌های نظامی و اقتصادی و تکنولوژیکی از جمله توانایی‌های اکتسابی محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، علاوه بر این عوامل مادی قدرت می‌توان از عوامل غیرمادی قدرت نیز سخن به میان آورد. در میان این عوامل می‌توان از قدرت نرم ایران و مبانی گفتمان انقلاب اسلامی ایران در میان جوامع مسلمان و به ویژه شیعیان منطقه یاد کرد. بر این اساس، مسلماً ایران فارغ از نظام سیاسی آن نیز یک کشور با قابلیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل قدرتمند در منطقه به حساب می‌آید. ( Eisenstadt, 2015:12-15)

از سوی دیگر، تاریخ سیاست بین الملل نشان می‌دهد که دولت‌های قدرتمند، همواره در دیگران احساس تهدید ایجاد کرده اند؛ زیرا آنان هرگز مطمئن نیستند که این دولت‌ها چگونه از توانایی‌های خود استفاده خواهند کرد. در واقع به موازاتی که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، دیگران نگران سوءاستفاده احتمالی این دولت از قدرت خود شده و در پی جلوگیری از آن برمی‌آیند. بنابراین افزایش قدرت یک دولت به طور طبیعی به افزایش تمایل دیگران برای محدود کردن و موازنه کردن آن خواهد انجامید (Little, 2008) در این شرایط، باید در نظر داشت که ایران به طور تاریخی به لحاظ قدرت، از همسایگان خود، به ویژه همسایگان جنوبی، برتر بوده است، از این رو، آنان همواره نگران قدرت ایران بوده اند. دقت در تاریخ

معاصر روابط خارجی ایران نشان می‌دهد که این نگرانی با فراز و فرودهایی ادامه داشته و هرگاه در قدرت ایران تغییرات آشکاری رخ داده، این نگرانی به هراس تبدیل شده است. ایران در حوزه‌های مختلف قدرت، از جمعیت تا وسعت، منابع و موقعیت ژئوپلیتیک، از توان قابل توجهی در منطقه خاورمیانه برخوردار است و همین امر به طور خودکار نگرانی و هراس را در دیگران برمی‌انگیزد. قابلیت‌های ایران در حوزه‌های سنتی و نوین قدرت در مقیاس منطقه‌ای به اندازه‌ای است که این کشور را به عنوان تن‌ها گزینه بالقوه هژمونی منطقه‌ای مطرح می‌کند. بنابراین نخستین عامل نگرانی از ایران یا در شکل حاد آن ایران هراسی، قدرت ایران است و از همین رو ساختاری است، زیرا نمی‌توان در آن تغییری ایجاد کرد. قابلیت‌های ایران، تا حد قابل توجهی فارغ از نوع حکومت حاکم بر آن، در همسایگان ایجاد نگرانی می‌کند. (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۵-۱۹۴)

این مسئله بویژه در مورد همسایگان ایران به دلیل مجاورت و نزدیکی بیشتر تشدید می‌شود. زیرا که این گزاره در روابط بین‌الملل پذیرفته شده است که توانایی قدرت نمایی و تهدیدزایی به تناسب فاصله، کاهش یا افزایش می‌یابد دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، قادر به ایجاد تهدیدهای بزرگتری برای یکدیگر هستند تا دولت‌هایی که فاصله جغرافیایی آنان از یکدیگر زیاد است (Walt, 2002) در این میان، با توجه به اینکه غرب برای ایجاد ایران هراسی به دنبال این هدف است که دیگران را نسبت به اقتدار و توانمندی‌های ایران حساس نمایند از این رو، توانمندی‌های ایران در حوزه‌های نظامی مختلف برجسته شده و بر روی آن‌ها مانور صورت می‌گیرد؛ مهم‌ترین این توانمندی‌ها شامل موارد زیر است:

### ۱-۱-۳- قدرت تسلیحاتی ایران در سلاح‌های استراتژیک

یکی از مهم‌ترین توانمندی‌های ایران که امروزه محور پروژه ایران هراسی نیز قرار گرفته است، توانمندی هسته‌ای ایران و دستیابی آن به توانایی تولید سلاح‌های کشتار جمعی است. در این زمینه، اینگونه بیان می‌شود که "از پایان جنگ ایران و عراق به دلیل اینکه ایران مورد تهاجم شیمیایی از سوی عراق قرار گرفته بود، در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در ایران بر ادامه تحقیقات هسته‌ای تأکید شد. رفته رفته ایران در طراحی سانتریفیوژها به پیشرفت‌هایی دست یافت؛ دامنه این پیشرفت‌ها تا آنجا ادامه یافت که امکان ساخت تأسیسات کوچک و پراکنده با ردیف‌های درهم فشرده سانتریفیوژ توسط ایران فراهم گردید؛ امری که کشف و نابودی آن‌ها را بسیار دشوار می‌سازد. از سوی دیگر، ایران از توانمندی ساخت سلاح‌های شیمیایی برخوردار گردیده است و احتمالاً قادر به تولید گاز اعصاب و استفاده از آن در کلاهک موشک‌ها و

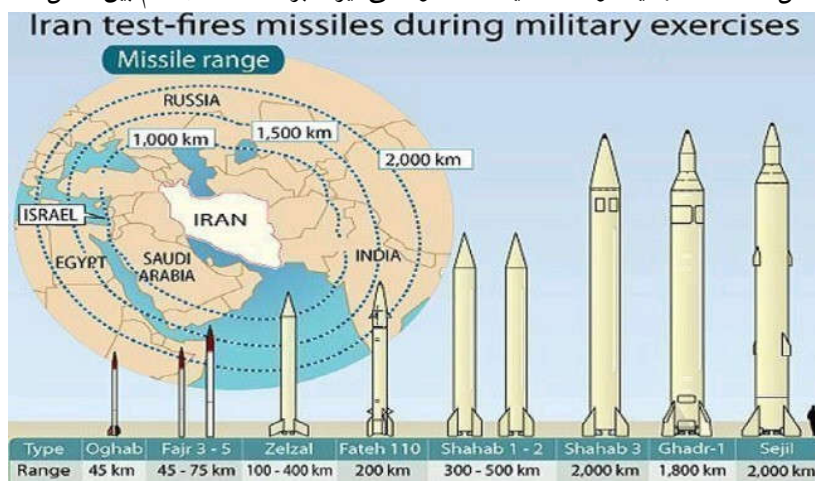


بمب‌های خوشه‌ای می‌باشد. همچنین ایران دارای توانایی تولید سلاح‌های بیولوژیکی پیشرفته است و می‌تواند از آن‌ها به‌عنوان مکمل یا جانشین سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند" (Cordesman, 2009: 2-11)

### ۲-۱-۳- توسعه برنامه‌های موشکی

یکی دیگر از دلایل مهم موثر در ایران هراسی، تمرکز غرب بر توسعه برنامه‌های موشکی بومی ایران است. در این زمینه علی‌رغم تأکید مستمر ایران مبنی بر دفاعی بودن برنامه موشکی و همچنین سابقه طولانی حضور مسالمت‌آمیز ایران در منطقه، کشورهای غربی تأکید دارند که برنامه‌های موشکی ایران بویژه آزمایش موشک‌های سوخت جامد، بخش مهم دیگری از تلاش‌های ایران برای ارتقای توانمندی‌های نظامی و سیاست‌های بلندپروازانه آن در منطقه به‌شمار می‌رود. در این زمینه در پروژه ایران هراسی تأکید می‌گردد " کاربرد موشک‌های ساخت ایران با سلاح‌های کشتار جمعی که می‌تواند توسط کلاهک‌هایشان حمل شود، تهدیدی عمده محسوب می‌گردد (Intelligence on Iran, 2016)

شکل ۱- القای تهدید توسعه فعالیت‌های موشکی ایران برای منطقه و نظام بین‌الملل



### ۳-۱-۳- گسترش نیروهای نظامی متعارف ایران در منطقه

حضور مستشاری ایران در کشورهای جبهه مقاومت و تلاش برای حمایت از مسلمانان و مستضعفین در منطقه و در سطح بین‌الملل، یکی دیگر از مسائلی است که با عنوان "توسعه طلبی منطقه‌ای، گسترش هژمونی منطقه‌ای، ایجاد امپراتوری فارسی، هلال شیعی و..." در

بسیاری از آثار پژوهشی اعم از کتب و مقالات و گزارش‌های اتاق‌های فکر و همچنین رسانه‌های بین‌المللی بارها تکرار می‌شود. این در حالی است که حضور مستشاری ایران در کشورهای همسایه، بسیار محدود و به درخواست دولت‌های قانونی حاکم بر این کشورها بوده است. در واقع، حضور مستشاری ایران صرفاً هویت مقاومت ساز و هویت برنامه دار را در این کشورها تقویت نموده و با ظهور جنبش‌های درون‌زا به بازتولید هویت مقاومت بویژه در میان شیعیان منطقه کمک نموده است (جاودانی مقدم و نصوحیان، ۱۰۲: ۱۳۸۸-۱۰۸) با این وجود، با توجه به تعارض منافع غرب با انعکاس واقعیت فعالیت‌های ایران در این زمینه، همواره بر "مداخله جویی و سلطه طلبی ایران" در گزارش‌های غربی از فعالیت‌های منطقه‌ای ایران تاکید می‌گردد. چنانچه در این زمینه در یکی از این گزارش‌ها تاکید شده است که "ایران به‌طور مستمر در پی گسترش نیروهای متعارض خود در جهت افزایش نفوذ، محدود ساختن گزینه‌های نظامی آمریکا، ارباب همسایگان و نمایش قدرت خود می‌باشد. هر چند ایران به دلیل تحریم‌های آمریکا نتوانسته است در جهت نوسازی نیروی نظامی متعارف خود با موفقیت عمل کند، با این وجود، از دیرباز با روسیه مشغول مذاکره جهت خرید انواع هواپیماهای جنگنده، مدرن، موشک‌های زمین به هوا و دفاع موشکی بالستیک بوده است. ایران در این راستا علاوه بر روسیه با سایر کشورها نیز وارد معامله شده و موفق شده است زیردریایی‌هایی از روسیه و کره شمالی و نیز انواع موشک‌های ضد کشتی از چین خریداری نماید. ایران همچنین موشک‌های مدرن هوا به هوا، هوا به زمین و ضد زرهی از چین و روسیه خریداری کرده است. ایران اینک دارای اژدرهای روسی و احتمالاً مدل‌های پیشرفته مین ساخت روسیه و چین است. در این میان، ایران پس از برجام با آزادی عمل بیشتری به توسعه نیروهای متعارف خود دست زده است بگونه‌ای که علاوه بر 300 S روسی، توانسته است برای خریدهای گسترده تر سلاح‌های چینی و سایر کشورها نیز اقدام کند. (Wuthnow, 2016: 3)

#### ۴-۱-۳- افزایش توانایی جنگ‌های نامتقارن و نامنظم

توانایی ایران در جنگ‌های نامتقارن و نامنظم که محصول دوران دفاع مقدس و حضور مستشاری ایران در جبهه مقاومت در مقابله با جریان‌های سلفی و تکفیری است نیز از دیگر ابعاد مهم پروژه ایران هراسی است. در این زمینه اینگونه القا می‌شود که با توجه به اینکه به‌طور کلی از هر سلاحی و از هر نوع نیرویی می‌توان در این نوع جنگ‌ها بهره گرفت و ایران نیز قبلاً

توانایی خود را در این زمینه در موارد زیر به نمایش گذاشته است، این قابلیت ویژه ایران، عملاً تهدیدی برای سایر کشورهاست.

چنانچه گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا تحت عنوان «تهدید در حال شکل‌گیری ایران» به بررسی برخی از این موارد مانند "استفاده از نیروی قدس در عراق، رشته‌های ماینرهای نظامی در خلیج فارس و دریای عمان، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بر فراز عراق، حمایت مالی از حزب‌الله و آموزش نیروهای آن: قرار دادن هواپیماهای بدون سرنشین، راکت‌های دوربرد و موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک از نوع کورنت در اختیار این نیرو، ارسال سلاح به حماس و فلسطینی‌ها، حمایت از گروه‌های شیعه در بحرین، آزمایش موشک‌های بالستیک دوربرد و فضایی در جهت ایجاد قابلیت حمله به اسرائیل و کشورهای همسایه، انجام مانورهای نظامی در خلیج فارس با هدف نمایش توانایی حمله به اهداف ساحلی، کشتیرانی و تأسیسات دریایی و..." اشاره می‌کند. (تاجیک، ۱۳۸۱: ۵۱-۵۲)

### ۲-۳- سیاست‌های اعلامی تهاجمی

یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در شکل‌گیری ایران هراسی در غرب به برخی سیاست‌های اعلامی باز می‌گردد که در مواردی توسط برخی مقامات سیاسی و نظامی مطرح می‌شود و از آن در غرب و در منطقه، به نیت تهاجمی ایران تعبیر می‌شود. این سیاست‌های اعلامی، در واقع، پیام‌های نادرستی هستند که فقط برای تقویت ذهنیت منفی علیه ایران و تشدید پروژه ایران هراسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این زمینه می‌توان به مواردی مانند: تهدید انسداد تنگه هرمز، هدف قرار دادن کشورهای منطقه، گسترش حوزه نفوذ ایران از افغانستان تا مدیترانه، قرار گرفتن عراق در حوزه نفوذ ایران و... اشاره کرد (Wood, 2012).

این سیاست‌های اعلامی، زمینه عینی‌تر شدن تهدید ایران برای غرب را بوجود می‌آورد و با بازنمایی رسانه‌ای آنها، تهدید ایران به شکلی ملموس‌تر احساس می‌گردد و تلاش می‌شود نیت ایران تهاجمی نشان داده شود تا در دیگران نگرانی و هراس تولید کند. در واقع، آنچه از سوی غرب و نیز اسرائیل در مورد نیت تهاجمی ایران مطرح می‌شود، بازتاب نگرانی‌های آنان از ارتقای نقش منطقه‌ای ایران و نفوذ معنوی ایران در سراسر منطقه است که به دلیلی سیاست‌های اعلامی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این در حالی است که ملت ایران هرگز تا کنون نیت تهاجمی نداشته و اقدام نظامی علیه همسایگان خود در یکصد سال اخیر نیز نداشته است.

### ۳-۳- ایجاد فضای ایران هراسی در غرب

مسئله‌ای یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در ایران هراسی در غرب به فضا سازی علیه ایران در غرب باز می‌گردد. این مسأله فارغ از قدرت ایران یا برخی سیاست‌های اعلامی که به نیت تهاجمی ایران از آن یاد می‌شود، در راستای منافع غرب برای مقابله با ایران با تحریف واقعیات مسلم از سیاست داخلی و خارجی ایران، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در واقع، با توجه به اینکه هرگونه قدرت یابی ایران در منطقه می‌تواند نظم مطلوب غرب را به خطر اندازد، از این رو، برجسته کردن به اصطلاح اقدامات بالفعل و بالقوه ایران در جهت موازنه سازی علیه ایران و برای این منظور عینیت بخشیدن بیشتر به ایده ایران هراسی صورت می‌گیرد. در همین راستا، برنامه هسته‌ای ایران که برای مقاصد صلح آمیز و در جهت ارتقای توانایی‌های علمی و تکنولوژیک ایران طرح ریزی شده است، برنامه‌ای با اهداف نظامی معرفی می‌شود که هدف آن نابودی اسرائیل است، حمایت ایران از مردم فلسطین، حمایت از تروریسم و کارشکنی در روند صلح خاورمیانه نمایش داده می‌شود و گسترش پیام معنوی انقلاب اسلامی در کشورهای همسایه به عنوان قصد ایران برای براندازی رژیم‌های حاکم بر این کشورها نشان داده می‌شود.

در مجموع، غربی‌ها از طریق فضای رسانه‌ای چنین القا می‌کنند که توانمندی‌ها و نیت تهاجمی ایران می‌تواند به اقدام از جانب ایران تبدیل شود. آنان تلاش می‌کنند تا این دیدگاه را القا کنند که اقدامات ایران در جهت بسط نفوذ قدرت آن در منطقه با توجه به توانمندی‌های ایران در حوزه نظامی و غیرنظامی در هر یک از کشورها بر اساس ویژگی‌های خاص آن کشور و نوع روابطی که با ایران دارد، به اجرا در می‌آیند. برای مثال، در کشورهایی که دارای اقلیت شیعی هستند، حمایت از گروه‌های مبارز شیعه در جهت ایجاد بی‌ثباتی در این کشورها در دستور کار قرار می‌گیرد. کشورهایی که میزبان پایگاه‌های آمریکا یا دیگر کشورهای غربی در منطقه هستند، به عنوان اهداف بالقوه عملیات نظامی تعیین می‌شوند. همچنین افزایش توانمندی‌های ایران در آینده و در نتیجه بالا رفتن میزان تهدید آفرینی ایران می‌تواند کشورها را به تغییر رفتار در جهت خواسته‌های آن وادار سازد. خلاصه اینکه تهدید ایران به صورتی نمایش داده می‌شود که جنبه‌های بالقوه و بالفعل آن برجسته شود. بدین ترتیب، ایران هراسی جنبه ملموس تری پیدا می‌کند و خطر ایران دائمی و قریب الوقوع به نمایش در می‌آید.

(Banai, 2014)

#### ۴- ابعاد و اشکال ایران هراسی در غرب

همانگونه که اشاره شد، پروژه ایران هراسی در سه دهه گذشته در دستور کار غرب قرار داشته است. هدف اصلی از اجرای این پروژه، امنیتی کردن فضای ایران و تلاش برای معرفی ایران به عنوان تهدیدی علیه کشورهای منطقه و صلح و امنیت بین الملل بوده است. پروژه ایران هراسی و بیان این طرز تلقی که ایران برهم زننده نظم عمومی بین المللی و همچنین مداخله گر در امور کشورهای منطقه بوده و به سبب ماهیت ایدئولوژیک آن بحران‌های منطقه‌ای دامنه دار می‌شود در ابعاد و اشکال مختلف از طرف کشورهای غربی دنبال شده است. در ذیل به تفکیک به مهم‌ترین اشکال و ابعاد مختلف که ایران هراسی اشاره می‌شود.

##### ۴-۱- ایجاد هراس از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران

یکی از ابعاد ایران هراسی که در رسانه‌های غربی به صورت مداوم بر آن تاکید می‌شود، تلاش برای تحریف ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا تلاش می‌شود تا در افکار عمومی جهانی بویژه شهروندان دولت‌های غربی که شناختی از ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران و ارزش‌ها و اهداف والای آن ندارند، چهره‌ای ترسیم شود که در آن، نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام انقلابی توسعه طلب، مخالف هرگونه ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و حتی اخلاقی و دینی غربی تلقی گردد که در صدد بسط نفوذ خود نه تنها در منطقه بلکه در سطح نظام بین الملل و نابودی آن می‌باشد. (Gold, 2015: 2-7) این پروژه بویژه با بازسازی انحرافی تاریخ ایران در هالیوود و ساخت آثار سینمایی مانند فیلم ۳۰۰، الکساندر، اورشلیم؛ شمارش معکوس و... نیز پیگیری می‌شود.

##### ۴-۲- سیاه‌نمایی وضعیت داخلی ایران

پروژه ایران هراسی غربی با تحریف و وضعیت سیاسی-اجتماعی داخلی ایران و سیاه‌نمایی آن تلاش دارد تا با ارائه تصویری از شرایط کنونی ایران به عنوان یک کشور بدوی، توسعه نیافته، ناقض حقوق بشر بویژه زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی، که در آن قوانین بسیار سختگیرانه مذهبی در چارچوب نظام غیردموکراتیکی که دائما به نقض حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان می‌پردازد حاکم است، افکار عمومی جهانی را برای پذیرش و القای سیاست‌های مقابله جویانه غرب علیه این کشور آماده نماید. در این راستا نیز علاوه بر فضا سازی رسانه‌ای خبری غرب، هالیوود با ساخت فیلم‌های متعددی در این زمینه علیه ایران از جمله فیلم

هایی مانند بدون دخترم هرگز، پرسپولیس، سنگسار ثریا، گلاب و... تلاش می‌کند تا این موضوع را به مخاطب خود القا کند.

### ۳-۴- تحریف اهداف و اقدامات سیاست‌های نظامی ایران

مهم‌ترین وجه غالب ایران هراسی در سال‌های اخیر بر بزرگنمایی و تحریف اهداف و اقدامات سیاست‌های نظامی ایران متمرکز شده است. در این راستا، با تمرکز بر توانمندی‌های نظامی ایران بر تلاش آن برای ساخت تسلیحات موشکی، سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی تاکید می‌شود و با بزرگنمایی حضور و نفوذ آن در منطقه و در نظام بین‌الملل، سیاست‌ها و اهداف ایران به عنوان توسعه‌طلبی و گسترش نفوذ در منطقه و جهان و حمایت از تروریسم بین‌الملل القا می‌گردد. (ملک محمدی و محمدی، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۵) در این زمینه، با تمرکز بر غیرصلح‌آمیز معرفی کردن پیشرفت‌های نظامی ایران و معرفی آن به عنوان محور و کانون شرارت در جهان که به دنبال استیلا بر کشورهای منطقه و سایر کشورها نیز می‌باشد، از یکسو بر مواردی مانند تلاش ایران برای گسترش نفوذ و مداخله در منطقه بویژه در کشورهای با اقلیت شیعه، حمایت از گروه‌های تروریستی با هدف کارشکنی و اختلال در روند صلح خاورمیانه، ارتباط ایران با القاعده و داعش و... اشاره می‌شود و از سوی دیگر، سیاست‌های آن برای نفوذ در سایر مناطق از جمله آمریکای لاتین برای مقابله با امریکا، بزرگنمایی می‌گردد.

ایران هراسی در غرب پس از انقلاب اسلامی	
دلائل ایران هراسی	توانایی و قدرت بالقوه و بالفعل ایران سوء برداشت از سیاست‌های اعلامی ایران ایجاد فضای ایران هراسی در غرب امنیتی کردن مساله ایران
اشکال و روش‌های ایران هراسی	ایجاد هراس از انقلاب اسلامی اسلام هراسی (با تمرکز بر اسلام سیاسی بنیادگرا) ترسیم چهره ایران به عنوان مرکز و حامی تروریسم تخریب چهره حقوق بشری ایران سناریوی بمب هسته‌ای ایران شیعه هراسی سپاه هراسی تصور جنگ آینده با ایران بازخوانی انحرافی و جعلی نقش تاریخی ایران در منطقه و جهان

## ۵- سطوح ایران هراسی

با توجه به آنچه گفته شد، ایران هراسی در غرب به عنوان یک پروژه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در ابعاد، اشکال مختلف و در سطوح متفاوتی صورت می‌گیرد. در این میان، ایران هراسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری می‌گردد که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱-۵- ایران هراسی در سطح منطقه‌ای

اولین و مهم‌ترین سطح ایران هراسی در منطقه آسیای جنوب غربی با تمرکز بر کشورهای منطقه خلیج فارس صورت می‌گیرد. این سطح از ایران هراسی با هدف ایجاد ترس از نظام جمهوری اسلامی ایران در میان همسایگان آن طراحی شده است. در این زمینه با توجه به تفاوت طبیعی قدرت ایران و کشورهای منطقه از نظر جغرافیا، جمعیت، نیروی نظامی و...، صرفاً با تمرکز بر این توانمندی‌ها و القای نیت تهاجمی ایران، ذهنیت ایران هراسی در میان دولت‌های منطقه تشدید می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به سابقه تاریخی گسترده تمایزات و اختلافات قومیتی (عرب - عجم) و مذهبی (شیعی - سنی) بر ریشه‌های تردید و تهدید این کشورها نسبت به ایران افزوده می‌شود. همچنین با تمرکز بر اهداف و آرمان‌های انقلاب و اصولی مانند صدور انقلاب اسلامی بر تلاش ایران برای سلطه بر منطقه تأکید شده و از این طریق بر ایران هراسی موجود دامن زده می‌شود. (نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۷) مسلماً در این میان، تلاش برخی کشورهای منطقه برای بهره‌برداری از این فضای ایران هراسانه نیز خود بر شدت ایران هراسی می‌افزاید از جمله سیاست‌های عربستان در رقابت با ایران، سیاست‌های امارات و بحرین علیه ایران و در گذشته، سیاست‌های عراق در دوره صدام علیه ایران با تمرکز بر ایران هراسی صورت می‌گرفته است.

در سال‌های اخیر بویژه از زمان اشغال عراق و حاکمیت اولین دولت شیعی در این کشور، بر دامنه ایران هراسی افزوده شده است. این مساله بویژه با طرح هلال شیعی تقویت شد. اصطلاح هلال شیعه، نخستین بار از سوی عبدالله دوم، پادشاه اردن، مطرح شد و سپس توسط حسنی مبارک و سایر رهبران عربی بارها تکرار شد. منظور از هلال شیعی نیز اتصال کشورهای ایران و عراق پس از صدام که شیعیان به قدرت رسیده‌اند و سایر کشورهای شیعه‌نشین منطقه بود. بنابراین، عملاً طرح خطر شکل‌گیری هلال شیعی توسط رهبران عربی منطقه، القای خطر شدت یافتن روابط شیعیان با ایران و گسترش قدرت ایران در منطقه بود. به عبارت دیگر، پشت

پرده مطرح کردن اصطلاح هلال شیعی، تلاش برای القای ایران هراسی در منطقه بود. چنانچه در مقاله‌ای تحت عنوان "طرح ایران برای تحقق رویای هلال شیعی"، احمد خالد نویسنده مصری، مواضع ایران نسبت به بهار عربی را بررسی می‌کند. خالد در این مقاله که در سایت "التغییر" در سال ۲۰۱۲ منتشر شده می‌نویسد: "ایران از مواضع خود در قبال تحولات منطقه خاورمیانه، رویای هلال شیعی که هدف انقلاب این کشور است را پیگیری می‌کند. ایران، جزء اولین کشورهایی بود که به مصر به دلیل پیروزی انقلاب و سرنگونی حسنی مبارک تبریک گفت ... مشکلات داخلی و چالش‌های اقتصادی برخی کشورهای منطقه از جمله اردن را فرصت خوبی می‌داند که بتواند با نفوذ در این کشورها، طرح هلال شیعی را از کشورهای لبنان، سوریه، عراق و اردن تا کشورهای حوزه خلیج فارس پیش ببرد. شاید یک دلیل برای حمایت تهران از دمشق نیز این باشد که سوریه بخشی از هلال شیعی مورد نظر ایران است این مساله با تحولات بعدی منطقه مانند تحولات عراق، سوریه، یمن و... و همچنین تشدید تنش میان ایران و عربستان پس از اشغال سفارت عربستان در ایران و قطع روابط دو کشور و رقابت‌های آنان در جنگ‌های منطقه‌ای رو به تصاعد گذاشت.

## ۲-۵- ایران هراسی در نظام بین الملل

دومین سطح ایران هراسی، در سطح بین‌المللی در جریان است. در این سطح با تمرکز بر تهدید هسته‌ای و موشکی ایران برای امنیت و ثبات بین‌المللی، حمایت آن از تروریسم بین‌الملل و القای ماهیت ضدحقوق بشری نظام سیاسی حاکم بر ایران تاکید شده است. در واقع، در سطح بین‌المللی، تلاش می‌شود تا اینگونه القا شود که ایران با دستیابی به بمب اتم و سیستم انتقال آن، می‌تواند خاک اروپا و آمریکا را نیز تهدید کند. همچنین اینگونه القا می‌گردد که ممکن است ایران با انتقال تسلیحات هسته‌ای و یا موشک‌های دوربرد خود به گروه‌های تروریستی، زمینه منازعات گسترده تروریستی در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل را بوجود آورد.

در این میان، باید توجه داشت که ایران هراسی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، هر دو در راستای دستیابی به یک هدف یعنی جلوگیری از افزایش قدرت ایران و دستیابی به موقعیت برتر در منطقه و ممانعت از تلاش ایران برای پیگیری اصول و اهداف انقلاب اسلامی است. در واقع، از طریق القای ترس از قدرت هژمونیک ایران و سیاست‌های جاه طلبانه آن در منطقه و در نظام بین‌الملل، سیاست غرب برای مقابله با انقلاب اسلامی پیگیری می‌شود.



## ۶- پیامدهای ایران هراسی بر امنیت ملی ایران

پروژه ایران هراسی غرب علیه انقلاب اسلامی ایران، آثار و پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت ملی ایران برجا گذاشته است که مهم ترین آن‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

### ۶-۱- ایران هراسی و تشدید تنش در روابط ایران و همسایگان

با توجه به اینکه به لحاظ تاریخی، سیاسی و ایدئولوژیک، اختلافاتی میان ایران و همسایگان آن بویژه دولت‌های عربی از گذشته تا کنون در قالب اختلافات عرب و عجم یا شیعه و سنی و... وجود داشته و سپس رقابت‌های سیاسی نیز بویژه پس از انقلاب اسلامی به آن دامن زده است، القای ایران هراسی توسط غرب عملاً سبب شده است که دهنیت منفی کشورهای منطقه نسبت به ایران تشدید شده و فضای تنش آلود در روابط آنان تقویت گردد. در واقع، در سایه ایران هراسی، دولت‌های منطقه دائماً نگران سیاست‌ها و اقدامات ایران هستند و معمای امنیت در منطقه تشدید شده که نتیجه آن نیز رقابت‌های تسلیحاتی گسترده در منطقه می‌باشد. (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۶-۱۵۷)

### ۶-۲- همگرایی دولت‌های منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای

ضعف قدرت ملی همسایگان ایران در پرتو ایران هراسی سبب شده است تا این کشورها برای حفظ نظام سیاسی خود از یک دشمنی که در همجواری آنان قرار گرفته است، به روابط گسترده با قدرتهای فرامنطقه‌ای و ایجاد پیمان‌های سیاسی-امنیتی روی آورند که نتیجه این مساله استقرار نیروهای بیگانه در منطقه و پیچیدگی بیشتر مسائل منطقه‌ای شده است

### ۶-۳- ائتلاف چرخ پره‌ای میان دولت‌های منطقه و آمریکا

مهم ترین نمونه همگرایی دولت‌های منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای در پرتو ایران هراسی، شکل‌گیری ائتلاف چرخ پره‌ای است که یک ائتلاف ضد ایرانی در منطقه با مدیریت قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. براین اساس، در وضعیت کنونی ائتلافی علیه ایران و در اثر هراس واقعی و تصویری از ایران در منطقه شکل گرفته است که در آن، غرب، اعراب و اسرائیل به دلایلی مشترک و متفاوت، ایران را تهدید، تصور می‌کنند و با هراس به کنش‌های آن می‌نگرند و از همین رو است که ائتلافی علیه ایران شکل داده اند. این ائتلاف را می‌توان چرخ-پره‌ای نامید، بدان معنا که ایالات متحده به مثابه چرخ و محور ائتلاف عمل می‌کند و اسرائیل با همراهی با آن، به پره‌های این ائتلاف شکل می‌دهند و سعی در موازنه‌گری در برابر ایران دارند. (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۲)

#### ۴-۶- کارکرد ایران هراسی در اعمال فشار علیه ایران

یکی دیگر از مهم‌ترین تأثیرات ایران هراسی را می‌توان در کارکرد آن برای اعمال فشار علیه ایران مشاهده کرد. بدین گونه که با ایجاد ترس از ایران، انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی و... و تأکید بر حمایت آن از تروریسم، تلاش در دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، نقض گسترده حقوق بشر و مواردی از این قبیل، زمینه برای هرگونه اعمال فشار علیه ایران بوجود می‌آید. اقدامی که غرب بویژه آمریکا و اسرائیل در پرونده هسته‌ای ایران بارها با تأکید بر خطر قریب الوقوع ایران هسته‌ای و پیامدهای گسترده ناشی از آن، برای جلب افکار عمومی داخلی و بین‌المللی و همچنین ضرورت افزایش تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران استفاده کرد.

#### نتیجه‌گیری

ایران هراسی به مثابه یک ابژه، پروژه‌ای عملیاتی شده توسط غرب است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون به اجرا درآمده است. این پروژه با هدف مقابله با انقلاب اسلامی و قدرت‌یابی ایران در منطقه و گسترش آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب ایران است. در این راستا، غرب تلاش کرده تا با استفاده از ابزارهای مختلف بویژه در رسانه‌های بین‌المللی به ارائه چهره غیرواقعی از ایران و ایجاد ترس و هراس از آن بپردازد. در این زمینه، غرب سیاست ایران هراسی را با تمرکز بر چند محور عمده از جمله بزرگ‌نمایی برنامه هسته‌ای ایران و ادعاهایی مانند نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران، حمایت از تروریسم، ممانعت در فرایند صلح خاورمیانه، مداخله در امور داخلی کشورهای همسایه و... پیگیری نموده است. این موارد در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دائماً تکرار شده تا مورد پذیرش افکار عمومی بین‌المللی قرار گیرد. نتیجه این القای تهدید از ایران در منطقه سبب شده است تا روابط ایران و همسایگان آن در فضایی تردید آمیز از اهداف و نیات ایران در نظر رهبران دولت‌های منطقه شکل گیرد که مسلماً به تشدید واگرایی میان آنان منجر شده است. از سوی دیگر، دولت‌های منطقه با احساس تهدید نسبت به ایران به همگرایی با قدرت‌های فرامنطقه و حتی شکل دهی به ائتلاف چرخ پره‌ای روی آورده‌اند که مشکلات متعدد سیاسی - امنیتی را نه تنها برای ایران بلکه برای منطقه به دنبال داشته است. علاوه بر این، با گسترش ایران هراسی در نظام بین‌الملل، غرب تلاش کرده تا به مهار اندیشه صدور انقلاب با این عنوان که ایران به دنبال اهداف جاه طلبانه‌ای در منطقه و در نظام بین‌الملل است بپردازد که البته، به تشدید فشارها و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران منجر شده است. مجموعه این عوامل سبب افزایش تهدیدات امنیتی ملی ایران و

چالش‌های سیاست خارجی و امنیتی ایران در منطقه و در نظام بین‌الملل شده است. برای این اساس، با توجه به این مساله به نظر می‌رسد که در این شرایط ایران باید برای زدودن ایران هراسی غرب در دو سطح گام بردارد. در سطح اول در تعامل با دولت‌ها با محوریت تنش زدایی با کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ به افزایش تعاملات در حوزه‌های مختلف دست زند و در سطح دوم در تعامل با ملت‌ها با تمرکز بر دیپلماسی عمومی، ذهنیت هراس‌آلود از ایران را برطرف نماید مسلماً این مساله مستلزم یک مدیریت منسجم و هوشمند و بهره‌مندی از ابزارهای مختلف دیپلماسی است.

## منابع و مأخذ:

- آدمی و دیگران، (۱۳۹۱). **نقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت‌های عربی منطقه، پژوهشنامه انقلاب اسلامی**: بهار ۱۳۹۱، دوره ۱، شماره ۲
- ایزدی و دیگران، (۱۳۹۲). **ایران هراسی در آمریکا: بازنمایی شرق شناسانه از برنامه هسته‌ای ایران در مستند ایرانیوم، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، دوره ۱۰، شماره ۳۵
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱) **مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: ره‌یا فت‌ها و راهبردها**، تهران: فرهنگ گفتمان
- جاودانی مقدم، مهدی و نصوحیان، محمد مهدی (۱۳۸۸). **نقش انقلاب اسلامی ایران در هویت‌یابی جمعی شیعیان در خاورمیانه، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی (خط اول)**، سال سوم، شماره ۹
- شریعتی نیا محسن، (۱۳۸۹) **ایران هراسی: دلایل و پیامدها، فصلنامه روابط خارجی**، دوره ۲، شماره ۶
- صدرا محمد، (۱۳۸۶) **نظریه‌های گفتمان از زبان شناسی تا علوم سیاسی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی: تابستان و پاییز**
- ملک محمدی حمیدرضا**، داوودی مهدی (۱۳۸۱) **تاثیر ایران هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، فصلنامه سیاست** - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲
- نورمحمدی مرتضی و کاظمی حجت** (۱۳۸۱) **جایگاه فرهنگ در تکوین ایران هراسی فرهنگی در کشورهای حوزه خلیج فارس، پژوهش‌های راهبردی سیاست**، دوره ۳، شماره ۱۲
- هوراث، دیوید، (۱۳۷۷) **نظریه گفتمان**، ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۲،
- Banai Hussein, 2014, **the myth of Iranian hegemony**, Policy Options, <https://www.clarionproject.org>
- Cordesman Anthony H, Burke Arleigh A, Seitz Adam C. ۲۰۰۹ **Iranian Weapons of Mass Destruction: Strategic and Warfighting Implications of a Nuclear Armed Iran**, Center for Strategic International Studies
- Eisenstadt Michael, **the Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran** - The Washington Institute for Near East, 2015
- Gold Dore, 2015. **Iran's Hegemonic Drive and the Nuclear Talks, Friends of Israel Initiative**, <http://www.friendsofisraelinitiative.org/>
- Intelligence on Iran, Misslie Arsenal**, 2016. [www.iranintelligence.com/missiles](http://www.iranintelligence.com/missiles), 2016
- Little, R. 2008. **The Balance of Power in International Relations: Metaphors, Myths and Models**, London: Cambridge University Press.
- Walt. 2002. **"Keeping the World: Off-Balance: Self-Restraint and U.S. Foreign Policy"**, in: J. G. Ikenberry, *America Unrivaled: The Future of the Balance of Power* (pp. 154-211), New York: Cornell University Press.
- Wuthnow Joel, 2016. **Posing Problems without an Alliance: China-Iran Relations after the Nuclear Deal**, Institute For National Strategic Studies.
- Wood David. 2012, **US-Iran mine warfare Persian Gulf**, Huffington post, [http://huffingtonpost.com/2012/02/27/us-iran-mine-warfare-persian-gulf\\_n\\_1304107.html](http://huffingtonpost.com/2012/02/27/us-iran-mine-warfare-persian-gulf_n_1304107.html)